

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میقات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی

سال دهم

شماره سی و هفتم

پا ییز ۱۳۸۰



میقات

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
مدیر مسئول: سیدعلی قاضی عسکر
زیر نظر: هیأت تحریریه

ویراستار: علی ورسه‌ای
طراح: کمال ملقن
حروفچینی: مرکز تحقیقات حج
لیتوگرافی: سنا
چاپ: جلوه پاک

آدرس: تهران - خیابان آزادی - نبش خوش
سازمان حج و زیارت - طبقه دوم - معاونت
آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

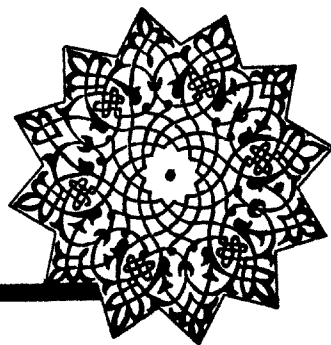
آدرس اینترنت: www.Hadj.ir

آدرس پست الکترونیک: Mighat@Hadj.ir

یادآوری:

- مسؤلیت آراء و نظرات به عهده نویسندگان آن است.
- میقات، در ویرایش مطالب آزاد است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نخواهد شد.

فهرست



■ اسرار و معارف حج

- حج در نهج البلاغه
○ مروری بر بعد اقتصادی حج
- رضا کریمی واقف ۶
محمد تقی رهبر ۳۲
-

■ تاریخ و رجال

- پیامبر خدا ﷺ و فرصت طلایی حج
○ امرای حج جمهوری اسلامی ایران
○ حج گزاری ایرانیان در دوره قاجار
- سید جواد ورعی ۵۲
سید علی قاضی عسکر ۶۹
رسول جعفریان ۹۰
-

■ اماکن و آثار

- صنعت جامه کعبه در دولت عربستان سعودی
○ فرهنگ نامه جغرافیایی حرمین شریفین
- محمد الدقن / هادی انصاری ۱۲۰
محمد محمد حسن شراب / حمیدرضا شیخی ... ۱۳۱
-

■ حج در آئینه ادب فارسی

- سروده‌ها در وادی اسرار
- ۱۵۲
-

■ گفتگو

- گفتگو با نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست حجّاج
- ۱۵۸
-

■ فاطرات

- نقد و بررسی «یادداشت‌های سفر به خانه خدا»
- حاج یوسف ناگوا چانگ / رضا مرادزاده ۱۷۲
-

■ از نگاهی دیگر

- اخلاق گفتگو
- سید محمد باقر نجفی ۱۹۴
-

اسرار و معارف حج





سج در

نهج البلاغه (۲)

(معجم الفبایی موضوعات حج در نهج البلاغه)



رضا کریمی واقف

○ خانه امن

(خطبه ۱)

* «بَيْتِهِ الْحَرَامُ... جَعَلَهُ... لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا».

«خداوند سبحان، کعبه را خانه امن و امان برای پناهندگان قرار داد.»

به فرمایش حضرت، خانه کعبه، پناهی امن برای پناهجویان است؛ پناه‌گاهی امن

برای:

- دنیای مشوش و سرگردان از فساد و تباهی.

- جوامع شکست خورده و ظلم زده.

- انسان‌های تشنه عدالت و امنیت.

- مردم گرسنه و مظلوم.

- خانواده‌های از هم گسیخته.

- گناه‌کاران طالب عفو و رحمت.

- مجرمان و توبه‌کنندگان.

- و...

- و حتی برای گیاهان و حیوانات.

(خطبه ۱)

* «بَيْتِهِ الْحَرَامُ... يَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وُلُوءَ الْحَمَامِ».

«خانه محترم خدا که... مردم همانند کبوتران به آن پناه می‌برند.»
 کعبه پناهی امن برای مردمان است که به سان کبوتران بی‌پناه و بی‌آشیان، بدان روی
 می‌آورند، به همان آرامش، به همان سکوت.

○ خدمت به حجاج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... وَلَا تَحْجِبَنَّ ذَا حَاجَةٍ عَنِ لِقَائِكَ بِهَا.» (نامه ۶۷)
 «پس برای مردم حج را بپادار... و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم
 مگردان.»

○ دعوت به حج

«...حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ.» (خطبه ۱)
 «خداوند در میان انسان‌ها، شنوندگانی را برگزید که دعوت او را برای حج
 اجابت نمایند.»
 حاجیان خانه خدا، دعوت شدگان بیت‌الله هستند. پول و مال و منال و رابطه و...
 نمی‌تواند باعث این سعادت شود.

○ دیدار کعبه

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ... يَرِدُونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ.» (خطبه ۱)
 «خانه محترم خدا... که مردم چونان تشنگان به سوی آن روی می‌آورند.»
 حاجیان عاشق، برای دیدار خانه حق، این چنین با شوق و ولع به سوی آن هجوم
 می‌آورند.

هر زمانی صد بصر می‌بایدت هر بصر را صد نظر می‌بایدت
 تا به هر چشمی نگاهی می‌کنی صد تماشای الهی می‌کنی

○ دیدار عاشقانه کعبه

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامِ... تَهْوِي إِلَيْهِ ثَمَارُ الْأَفْئِدَةِ.» (خطبه ۱۹۲)



«پس آن را خانه محترم خویش ساخت که... انسان‌ها به سوی آن با عشق قلب و میوه دل‌ها روی می‌آورند.»

○ رحمت الهی در حج

«... جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ.» (خطبه ۱۹۲)

«خداوند حج را سبب و وسیله‌ای برای رحمت خویش قرار داد.»

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: روزی شخصی به محضر پدرم وارد شد و گفت: شما خاندان رحمتید که خداوند این ویژگی را به شما عطا فرموده است. فرمود: آری، ما چنینیم و خدا را بر این نعمت سپاس می‌نهیم. و در بیان حضرت امیر مؤمنان در این خطبه، از جمله طرق کسب رحمت الهی، انجام فریضة حج است.

○ رفع نیاز مسکن حجاج

«... وَ مَرُّ أَهْلِ مَكَّةَ أَلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنِ أَجْرًا.» (نامه ۶۷)

«و به مردم مکه فرمان ده تا از هیچ زائری در ایام حج اجرت مسکن نگیرند.»

در این نامه حضرت به فرماندار مکه دستور رسیدگی به امور حج و رفع نیاز فرهنگی و رفاهی حجاج، از جمله رفع نیاز مسکن آنان را صادر می‌کنند که در آن صریحاً اهل مکه را موظف می‌نمایند که با تأمین رایگان مسکن حجاج، آنان را با رویی گشاده بپذیرند که در نتیجه، این فریضة الهی، با تقویت بیشتر و شکوهی فراتر برگزار گردد.

○ روش طواف

«... يَهْرُؤُوا مَنَّا كَيْبَهُمْ ذُلًّا يُهْلِكُونَ لِيَّ حَوْلَهُ.» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت‌الله... شانه‌های خود را با فروتنی (در سعی و طواف) می‌جنبانند و

گرداگرد کعبه تهلیل (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) بر زبان جاری می‌سازند.»

دستور حضرت در این خطبه، طواف کعبه با حالتی خاضعانه و فروتنانه است؛



به طوری که حج گزار روحیه ای ذلیلانه در برابر عظمت حضرت باری تعالی داشته باشد و در هنگام طواف نیز ذکر الهی و از جمله ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و شعار توحید را بر زبان جاری سازد.

○ ره آورد سفر حج

رجوع شود به «آثار حج»

○ زیارت خانه خدا

«وَكَتَبَ (سبحانه) عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ» (خطبه ۱)

«و خداوند سبحان بر همه شما مقرر داشت که به زیارت بیت الله الحرام بروید.»

و نیز از آن حضرت نقل شده که:

«الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ أَلَّهِ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُكْرِمَ وَقْدَهُ وَيُحِبُّهُ

بِالْمَغْفِرَةِ»؛ «حج و عمره گزار میهمان خداوندند و بر خداوند است که میهمانش را

گرامی بدارد و از او با غفران خویش پذیرایی نماید.» (بحار الانوار، ج ۹، ص ۸)

○ زیورهای کعبه

«... وَكَانَ حَلِيُّ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَى حَالِهِ... فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَ

رَسُولُهُ» (حکمت ۲۷۰)

«و اما زیورهای کعبه، امالی بودند که خداوند آن را به حال خود گذاشت، تو نیز

آن را به حال خود واگذار، همان طور که خدا و پیامبرش آن را به حال خود

واگذار دند.»

حضرت بیان فوق را زمانی ایراد فرمودند که از وی در مورد مصرف زیورهای کعبه

توسط خلیفه دوم سؤال شد و ایشان در پاسخ آن را جایز ندانستند و او (خلیفه) نیز از

مصرف آن ها منصرف شد و زیورهای کعبه را به حال خود گذاشت.



مِيقَاتُ

○ سنگ‌های کعبه

«أَحْجَارٌ لَا تَنْصُرُ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ.» (خطبه ۱۹۲)

«سنگ‌های کعبه، که نه زیان می‌رسانند و نه نفعی دارند، نه می‌بینند و نه می‌شنوند.»

حضرت در ادامه خطبه می‌فرماید: خداوند همین سنگ‌ها را با این خصوصیات، در شکل بیت‌الله الحرام، وسیله امتحان آدمیان ساخت.

مردان کعبه را چون قبله کرد خاک مردان باش ای جان در نبرد
کعبه مردان نه از آب و گِل است طالب دل شو که بیت‌الله دل است

مولوی

«وَلَوْ كَانَ... الْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمُرْدَةٍ حَضْرَاءَ وَ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ لَخَفَّتْ لَكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ.» (خطبه ۱۹۲)

«و اگر... سنگ‌های کعبه از زمرد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنائی بودند، دل‌ها دیرتر به شک و تردید می‌رسیدند و تلاش شیطان بر قلب‌ها کمتر اثر می‌گذاشت.»

بیان حضرت در این است که سادگی خانه کعبه، آلیه‌های ظاهرپذیری و بندگی پوچ را از بین می‌برد، چه بسا که شکوه و عظمت ظاهری کعبه مانند قصر پادشاهان، آنان را به عبادتی بی‌محتوا سوق دهد؛ چرا که توجه به قدرت‌های طاغوتی و قصرهای رفیع زورمداران، یک اقدام شیطانی و یک وسوسه اهریمنی و یک رویکرد شیطانی است. و عبادت خداوند نه برای شکوه خانه‌اش، که برای عظمت و جلال خود اوست. و این وسیله امتحانی می‌بایست این چنین سخت باشد تا آزمون بندگان به درستی صورت پذیرد.

○ سود بندگی در حج

«وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ... يُخْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ.» (خطبه ۱)

«دعوت شونندگان حج بیت‌الحرام... سودهای فراوان در این تجارتگاه عبادت و بندگی خداوند به دست می‌آورند.»



○ سیاست در حج

«فَإِنَّ عَيْنِي بِالْمَغْرِبِ كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وَجَّةٌ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنَا مِنْ أَهْلِ الشَّامِ
الْعُمِّي الْقُلُوبِ... فَأَقِمْ عَلَيَّ مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيبِ».
(نامه ۳۳)
«خبرگزاری من در مغرب (شام) به من خبر داده است که گروهی کوردل و... از
اهل شام (مأموران معاویه) به سوی مراسم حج (به قصد توطئه) گسیل شده‌اند...
پس در اداره امور خود هوشیار و سرسخت، استوار (و مراقب) باش.»

بیان حضرت در این است که نسبت به توطئه دشمنان اسلام، حتی در ایام عبادت
حج نباید بی تفاوت بود و از آن جا که خود این مراقبت دشمنان، یک امر سیاسی جدی
است، ورود سیاست در امر حج و مراقبت و افشای توطئه سیاسی دشمنان اسلام مورد
تأکید آن امام همام است.

امام خمینی رحمته الله علیه می فرماید:

«اهمیت بعد سیاسی حج کمتر از بعد عبادی آن نیست، بعد سیاسی علاوه بر
سیاستش، خودش عبادت است.»
(فصلنامه «میقات حج»)

○ شرایط قربانی

«وَمِنْ تَمَامِ الْأُضْحِيَّةِ اسْتِشْرَافُ أُذُنِهَا وَ سَلَامَةُ عَيْنِهَا».
(خطبه ۵۳)
«کمال قربانی در این است که گوش و چشم آن سالم باشد.»

حضرت در این خطبه به چند شرط از شرایط قربانی اشاره می کند و آن ها عبارتند از
این که: در سن خاصی باشد، سالم باشد، پیر نباشد، ناقص العضو نباشد، چشمش سفید
نشده باشد، کوری یا لنگی نداشته باشد، دم بریده، گوش بریده، شاخ شکسته از داخل
نباشد، لاغر نباشد، خصی نباشد، بیضه آن کوبیده نباشد، در اصل خلقت بی دم و نر آن
بی بیضه نباشد.

○ شست و شوی گناهان در حج و عمره

«وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَ اعْتِمَارُهُ... يَرْحَضَانِ الدَّنْبَ».
(خطبه ۱۱۰)



«حج و عمره بیت‌الله الحرام... شست و شو دهنده گناهان هستند.»

و نیز از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «مِنَ الْحُجَّاجِ... صِنْفٌ يُخْرَجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»؛ «از حاجیان گروهی هستند که در بازگشت... از گناه خارج می‌شوند؛ مانند زمان تولد از مادرشان (پاک می‌گردند)».

بیا ای دل خدا را جستجو کن
گناهان تمام عمر خود را
گل توحید را بگیر و بو کن
بیا با آب زمزم شست و شو کن

ده پیری

○ شیطان و حج

«وَلَوْ كَانَ... الْأَحْبَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمْرَةِ خَضِرَاءَ... لَوَضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَلَجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ».

(خطبه ۱۹۲)

«اگر (ساختمان کعبه ساده نبود)... تلاش شیطان بر قلب‌ها کمتر اثر می‌گذاشت و وسوسه‌های پنهانی او در مردم کارگر نبود.»

شیطان همواره سعی در تشکیک در قلوب اهل ایمان دارد، از آن‌جا که خانه خدا نیز برای امتحان و آزمایش بندگان بنا شده است، این وسیله امتحان می‌بایست هرچه ممکن است مؤثر و فعالیت شیطان در اطراف خانه توحید بیش از سایر نقاط باشد، تا آنان که ایمانشان ضعیف و دنباله‌رو شیطان هستند و خدا را فراموش می‌کنند، از اهل ایمان راستین جدا گردند. اما در این حرم امن، چنان روح توحید حاکم می‌گردد و لطف و رحمت خداوند چنان تبلور می‌یابد که شیطان را عاجز می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ روزی شیطان کوچک‌تر و خردتر و زبون‌تر و خشمگین‌تر از روز عرفه دیده نشده است و این نیست مگر به این جهت که مهربانی و گذشت و آمرزش خدا گناهان بزرگ را مورد عفو و غفران قرار می‌دهد.

○ طواف

«... يَهْرُؤَا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يُهْلَلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ».

(خطبه ۱۹۲)



«عاشقان بیت‌الله الحرام... شانه‌های خود را باخضوع و فروتنی (در سعی و طواف) می‌جنبانند و گرداگرد کعبه‌تهلیل (لِأَلِهِ الْإِلَهِ) را بر زبان جاری می‌سازند.»
 امام خمینی رحمته: «در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید، دقت کنید به معانی.»
 (فصلنامه «میقات حج»، ش ۳)

عاشقان اول طواف کعبه جان کرده‌اند

پس طواف کعبه تن فرض فرمان دیده‌اند
 پیش کعبه گشته چون باران زمین بوس از نیاز
 و آسمان را در طوافش هفت دوران دیده‌اند
 خاقانی

○ طواف فرشتگان

«وَ اِخْتَارَ... تَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ» (خطبه ۱)
 «دعوت شوندگان حج بیت‌الحرام... همانند فرشتگانی می‌شوند که بر گرد عرش الهی طواف می‌کنند.»

○ عبادت در حج

«... يُخْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ» (خطبه ۱)
 «دعوت شوندگان حج بیت‌الحرام... سودهای فراوان در این تجارت‌گاه عبادت الهی به دست می‌آورند.»

سراسر اعمال حج عبادت است، نیت اجرای مناسک حج توسط حجاج انجام عبادت خداوند است، و به فرمایش حضرت، در این بازار، هرچه سود است که سودهای کلانی هم هست، از جهت عبادت اوست. و حج معامله‌ای است با خداوند، که سودهای سرشار این بازار تنها با عبادت به دست می‌آید.

○ علت انتخاب سرزمین خشک مکه برای خانه خدا

«وَلَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَمَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَابٍ وَ أَنْهَارٍ...»



لَكَانَ قَدْ صَغَرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ...» (خطبه ۱۹۲)

«و اگر خداوند، بیت‌الله الحرام و مکان‌های مراسم حج را در میان باغ‌ها و نهرها و سرزمین‌های سبز و هموار و پردرخت و میوه و مناطق آباد قرار می‌داد، به‌همان اندازه پاداش آن سبک‌تر بود، بر حسب این‌که آزمایش و امتحان آن ساده‌تر بود.»

قرآن از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»؛ «پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را (اسماعیل و آنان‌که از او به‌هم خواهند رسید) در وادی و دره‌ای بی‌کشت و زرع (در اثر بی‌آبی) نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا! تا نماز بپا دارند. پس دل‌های پاره‌ای از مردم را به‌سوی آن مایل بگردان (برای حج) و ایشان را از انواع میوه‌ها روزی ده شاید که تو را شاکر باشند.» (ابراهیم: ۳۷)

○ علت ساده بودن بنای کعبه

«وَ لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ الْمُخْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمْرَةٍ حَضْرَاءَ وَ يَأْقُوتَةٍ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشَّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ.» (خطبه ۱۹۲)

«و اگر پایه‌ها و بنیان کعبه و سنگ‌هایی که در ساختمان آن به‌کار رفته است، از زمرد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، دل‌ها دیرتر به شک و تردید می‌رسیدند و تلاش شیطان بر قلب‌ها کمتر اثر می‌گذاشت.»

○ علوم دینی در حج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَأَقَّتِ الْمُسْتَفْتِي وَ عَلَّمَ الْجَاهِلَ وَ ذَاكِرِ الْعَالِمِ.» (نامه ۶۷)

«پس در حج، فتواها را به پرسش‌کنندگان ابلاغ کن و ناآگاهان را آموزش بده و با دانشمندان به گفتگو بپرداز.»

تعلیم و تعلّم زمان و مکان خاص ندارد، اولیای الهی حتی در صحنه جنگ، این مهم

را به شیعیان خود آموخته‌اند. در این فرمایش علی علیه السلام ترویج و توجه به آموزش علوم دینی در حج را طی نامه‌ای به فرماندار منصوب خود در مکه فرمان می‌دهند. حضرت امام خمینی علیه السلام در توصیه‌ای به علما می‌فرمایند:

«به روحانیون محترم عرض می‌کنم که علاوه بر آن که مسائل را به‌طور وضوح که همه‌کس بفهمد، در جلسات متعدد به گروه خود یاد دهید، در وقت اعمال آنان نیز مواظب آن‌ها باشید و آن‌ها را هدایت فرمایید.» (فصلنامه میقات حج، ش ۳۲)

○ عمره

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ.» (خطبه ۱۱۰)

«بهترین وسیله تقرب به خداوند سبحان (ده چیز، از جمله) ... حج و عمره بیت‌الله الحرام است.»

در این خطبه که به خطبه دیباج نیز مشهور است، حضرت در کنار حج، عمره را نیز بهترین وسیله توسل به خداوند متعال برمی‌شمارند.

○ عمره، شست‌و‌شو دهنده گناهان

«وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ... يَرْحِضَانِ الذَّنْبَ.» (خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت‌الحرام ... شست و شو دهنده گناهان هستند.»

عمره کردی، عمر باقی یافتی صاف گشتی بر صفا بشتافتی

مولوی

○ عمره، نابودکننده فقر

«حَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ.» (خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت‌الله الحرام نابود کننده فقر هستند.»

در این بیان حضرت، در کنار حج، عمره نیز می‌تواند رونق‌بخش امور اقتصادی و



نابود کننده فقر مسلمانان و جوامع اسلامی باشد که این مهم در اثر اطلاع مسلمین از حال یکدیگر و یا در اثر تجارت و در نتیجه افزایش تولید و در اثر توزیع ثروت به دست می آید.

○ غار حرا

وَلَقَدْ كَانَ (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِجْرَاءَ فَارَاهُ وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي».

(خطبه ۱۹۲)

«مانا پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار حرا می گذراند، تنها من او را مشاهده می کردم و جز من کسی او را نمی دید.»

بیان حضرت در این خطبه، دل بستگی و وابستگی ایشان به پیامبر ﷺ و تربیت او در دامن آن حضرت است. هر چند که اشاره ایشان به حرا و غار حرا که محل اعتکاف حضرت رسول ﷺ بوده است به جهت شرح اوصاف این مهبط وحی نبوده، لیکن این بیان حضرت می رساند که امیر مؤمنان (علیه السلام) در دوران جوانی به همراه پیامبر عظیم الشان به غار حرا می رفته است که این نشان از عظمت مولا و اوج نزدیکی او به رسول گرامی اسلام است که راه در خلوتگه آن عزیز داشته است.

○ فلسفه احرام

«...قَدْ تَبَدُّوا السَّرَائِلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ».

(خطبه ۱۹۲)

«روی آوردندگان به سوی بیت الله الحرام... لباس های خود را (که نشانه شخصیت هرفرد است) در آورند و پشت سر اندازند.»

یک یک اعمال و مناسک حج، دارای رموز و اسراری است و در این میان احرام آغاز راه است و از فلسفه های پوشیدن لباس احرام، جدا شدن از لباس هایی است که انسان ها را از یکدیگر جدا می سازند، لباس هایی که بعضاً هر کدام نشان از قوم، کشور، نژاد، شخصیت، ثروت، مقام و موقعیت هر فرد دارد. در احرام، حج گزار به دور از منیت های دنیوی، هم رنگ و هم لباس با دیگر انسان ها، راه خدا و خدایی شدن را برمیگزیند.

○ قبله مردم

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ».

(خطبه ۱)

«همانا کعبه خانه‌ای است که خداوند آن را قبله‌گاه انسان‌ها قرار داد.»

بیش از یک میلیارد مسلمان جهان در هر نقطه عالم، با هر رنگ و نژاد و یا قومیت و زبان و در هر پست و مقام و با هر مقدار مال و منال، یک هدف دارند، یک قبله می‌شناسند و تنها به یک سمت نماز می‌گزارند، و آن نقطه‌ای است که خداوند آن را تعیین کرده و تمامی انسان‌ها را به سوی آن خوانده است.

○ قدمت کعبه

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ... بِأَحْبَارٍ... فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامِ».

(خطبه ۱۹۲)

«همانا خداوند سبحان آزمایش کرد انسان‌ها را از آدم... با سنگ‌هایی... که آن را خانه محترم خود قرار داد.»

در این خطبه، بنای کعبه و قدمت آن قبل از حضرت آدم علیه السلام و فرزندانش بیان گردیده است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَاكَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛ «اولین خانه‌ای که برای انسان‌ها نهاده شد همان خانه‌ای است که در مکه است. خانه‌ای مبارک و فرخنده که مایه هدایت برای جهانیان است.» (آل عمران: ۹۶)

○ قدمت کعبه و حج

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامِ... ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ وَ وَلَدَهُ أَنْ يَسْتَوُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ».

(خطبه ۱۹۲)

«سپس آدم و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه بازگردند.»

فرشتگان پس از حج آدم علیه السلام به استقبالش آمده، عرض کردند: «یا آدَمُ بَرِّ حَجَّكَ، طِفْ، فَقَدْ طِفْنَا بِالْفَيْ عَامٍ»؛ «ای آدم، نیک و پذیرفته باد حج تو، طواف کن که ما نیز دو هزار سال پیش از تو طواف کردیم.» (فصلنامه «میقات حج»، ش ۲۵، ص ۱۲)



○ قربانی

«وَمِنْ تَمَامِ الْأُضْحِيَّةِ اسْتِشْرَافُ أُذُنِهَا وَ سَلَامَةٌ عَلَيْهَا» (خطبه ۵۳)
از نشانه‌های کمال قربانی آن است که گوشش صاف و بلند و چشمش سالم باشد.»

حضرت در این خطبه به بیان احکام قربانی و شرایط آن پرداخته‌اند. قربانی از ماده «قرب» به معنای نزدیکی به خداوند است. حج‌گزار خانه توحید با انجام این فریضه، امیال حیوانی خود را قربانی می‌کند. و نیز آن حضرت می‌فرماید: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ»؛ «نماز قربانی و موجب نزدیکی هر انسان با تقوا به خداوند است.» (حکمت ۱۳۶)

○ کعبه، پناهگاه بی‌پناهان

«جَعَلَهُ (سُبْحَانَهُ) ... لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا»
«خداوند (سبحان) ... کعبه را خانه امن برای پناهندگان قرار داد.»

در میان علمای شیعه حکمی است که در آن اتفاق نظر وجود دارد و آن این است که چنانچه مجرمی، به حرم پناهنده شود، در داخل حرم نمی‌توان او را قصاص کرد و یا بر او حد جاری ساخت. او در امان است، مگر این‌که از لحاظ غذا و آب در مضیقه و سختی قرار گیرد و ناگزیر شده، از حرم خارج گردد». قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»؛ «هرکس وارد آن جا (حرم) شود، در امنیت است.» (فصلنامه «میقات حج»، ش ۸، ص ۴۴)

○ کعبه، حق واجب دارد

«... فَرَضَ حَقَّهُ»
«(خداوند سبحان) ... ادای حق کعبه را واجب گردانید.»

کعبه، این خانه محترم خداوند، به فرمایش حضرت، بر مردمان حق واجبی دارد که باید ادا شود. و حق آن، احترام کردن، حفظ حرمت، روی آوردن به آن، طواف و حج باشکوه است.



○ کعبه، در سرزمین بد آب و هوا

«بَيْتُهُ الْحَرَامُ... ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا» (خطبه ۱۹۲)

«خانهٔ محترم خداوند که آن را در سنگلاخ‌ترین مکان‌ها و بی‌گیاه‌ترین زمین‌ها و تنگ‌ترین درّه‌ها و میان کوه‌های خشن و سنگریزه‌های فراوان و چشمه‌های کم آب و آبادی‌های از هم دور، قرار داد.»

امیرمؤمنان علیه السلام راز قرار گرفتن کعبه در این سرزمین خشک و کم آب و علف را وجود سختی‌های سفر و وسیله‌ای قوی‌تر برای آزمایش و امتحان بندگان برمی‌شمارند.

○ کعبه، عَلم و نشانهٔ اسلام

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِيَاْسَلَامٍ عَلمًا» (خطبه ۱)

«خداوند سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانهٔ گویا قرار داد.»

خداوند، کعبه را نشانه و پرچم اسلام قرار داد؛ پرچمی که همواره می‌بایست برافراشته بماند و درفش هر مکتب و هر ملت هرچه مستحکم‌تر باشد، نشان از استحکام و برقراری صاحب آن عَلم دارد و کعبه باشکوه‌ترین پرچم در جهان است.

○ کعبه، مایهٔ قدرت حکومت اسلامی

«وَ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ... فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تُنَظَرُوا» (نامهٔ ۴۷)

«خدارا، خدارا دربارهٔ کعبه... که اگر ترک‌شود و خلوت‌گردد، مهلت‌داده نمی‌شوید.»

از مهم‌ترین رموز و آثار کعبه، نقش آن در استحکام و اقتدار اسلام و حکومت اسلامی است و در اهمیت آن همین بس که حضرت این بیان را در بستر شهادت به حسین علیه السلام و در وصیت خود ایراد فرمودند.

○ کعبه، مرکز اجتماع انسان‌ها

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامُ... فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ» (خطبه ۱۹۲)

«پس خداوند کعبه را مرکز اجتماع... سر منزل و مقصود سفرها گردانید.»



مِيقَاتُ

حضرت آیت الله خامنه‌ای - مدّ ظلّه العالی - : «حج یک مرکز اجتماع است؛ چرا که خداوند متعال می‌توانست برای زیارت خانه خدا تمام دوره سال را بگذارد. اگر فقط رفتن و دور خانه خدا طواف کردن و حال و توجه پیدا کردن بود، چه لزومی داشت که همه مردم دنیا موظف باشند که در یک روز و در یک مقطع زمانی و در روزهای مشخصی خانه خدا را زیارت کنند.» (فصلنامه «میقات حج»، ش ۴)

○ کعبه، مظهر عبودیت و تواضع بندگان

بَيْتِهِ الْحَرَامِ... جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِّتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ». (خطبه ۱)
 «کعبه، این قبله مسلمانان جهان، در تمام لحظات سال، شاهد سجود و خضوع بندگان در برابر عظمت و عزت خالق بی‌همتای عالم است.»

کعبه محور طواف حج‌گزارانی است که همه‌ساله شکوه بندگی و اطاعت محض را در برابر تنها شایسته بندگی، به نمایش می‌گذارند.

○ کعبه، وسیله امتحان آدمیان

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ ﷺ إِلَى الْأَخِيرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْبَارٍ... فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامِ». (خطبه ۱۹۲)
 «همانا خداوند سبحان، انسان‌های پیشین از آدم ﷺ تا آیندگان این جهان را... به وسیله بیت‌الله الحرام آزمایش کرد.»

پس، بنای کار بر آزمایش انسان‌ها بوده است؛ آزمایشی سخت و دشوار. در حدیث آمده است:

«وَهَذَا بَيْتُ اسْتَعْبَدَ اللَّهُ بِهِ خَلْقَهُ لِيُخْتَبَرَ طَاعَتُهُمْ فِي إِيَابِهِ، فَحَتُّهُمْ عَلَى تَعْظِيمِهِ وَ زِيَارَتِهِ»؛

«این خانه‌ای که خلق را از رهگذران به عبادت فراخواند تا طاعت آنان را در آمدن به سوی آن بیازماید، لذا آنان را به بزرگداشت این خانه واداشته است.» (بحار، ج ۹۹، ص ۲۹).

○ کعبه، وعدگاه آمرزش الهی

«بَيْنَهُ الْحَرَامُ... يَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ».

(خطبه ۱)

«دعوت شوندهگان حج بیتالله الحرام... بهسوی وعدگاه آمرزش الهی میشتابند.»

○ لباس احرام

«...قَدْ نَبَذُوا السَّرَائِلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ».

(خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیتالله... (هنگام احرام) لباسهای خود را که نشانه شخصیت هر فرد

است در آوردند و پشت سراندازند.»

حاجی در میقات، بایرون کردن لباسهای شخصیتی خود، لباس احرام را که عبارت

از دو تکه پارچه ساده و نودخته است، بر تن می کند و با گفتن لبیک، مُحرم می گردد.

○ مراقبت بیگانگان در مراسم حج

«فَإِنَّ عَيْنِي بِالْمَغْرِبِ كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وَجَّهٌ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنْاسٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ
الْعُمِّي الْقُلُوبِ... فَأَقِمْ عَلَيَّ مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيبِ».

(نامه ۳۳)

«مأمور و گزارشگر من خبر داده است که گروهی از کوردلان و... از اهل شام

(به قصد توطئه) بهسوی مراسم حج در مکه روی آوردهاند... پس در اداره امور

خود هشیار و سرسخت و استوار (مراقب) باش.»

همواره در طول تاریخ اسلام، این مکتب آسمانی مورد تاخت و تاز دشمنان بوده است. از همان آغاز که اسلام پدید آمده، دشمنان سرسخت آن نیز ظاهر شدند و در برابر آن صف آراییی کردند. آنان هر فرصتی را برای ضربه زدن به این دین حنیف از دست نمی دهند. و در این میان هر ارزشی که در اسلام مهم تر باشد بیشتر مورد هجوم قرار می گیرد. و از آن جمله است کعبه و حج و این مراسم عظیم عبادی-سیاسی.

و بر مسلمانان است که مراقب فعالیت دشمنان در این اجتماع پرشکوه باشند.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نیز دقیقاً به این امر مهم توجه داده و والی مکه را از توطئه

بیگانگان و جاسوسان معاویه هشیار و دستور مراقبت بیشتر به وی را صادر می کنند.



میقات

○ مسکن حجاج

«... وَ مُزَّ أَهْلَ مَكَّةَ أَلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنِ أَجْرًا».

(نامه ۶۷)

«و به مردم مکه فرمان بده تا از هیچ زائری در ایام حج اجرت مسکن نگیرند.»
حضرت با توجه به لزوم رفع نیازمندی‌های حجاج و از همه مهم‌تر نیاز مسکن آنان، طی فرمان فوق که به قثم بن عباس، فرماندار منصوب خود در شهر مکه صادر می‌نمایند، لزوم تأمین مسکن حجاج را از طریق مردم مکه به صورت رایگان بیان می‌کنند.

○ مکه

- رجوع شود به «وصف سرزمین مکه».

○ منافع حج

«... يُخْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنْجَرِ عِبَادَتِهِ».

(خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بیت‌الله الحرام... سودهای فراوان در این بازار عبادت الهی به دست می‌آورند.»

به فرمایش حضرت، حج سودها و منافع بسیاری دارد؛ سودهای دنیوی و سودهای اخروی که حضرت در این بیان سودهای اخروی در بازار عبادت الهی را که نصیب حج‌گزار می‌گردد، یاد آورد می‌شوند.

○ نابودی فقر در حج و عمره

«حَجُّ الْبَيْتِ وَ اعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ».

(خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره خانه خدا، نابودکننده فقر هستند.»

نابودی فقر که نتیجه رونق اقتصادی یک جامعه و ایجاد زمینه‌های رفاه و بی‌نیازی مردم است، از آثار دنیوی حج و عمره شمرده شده است.

○ وصف حجاج

* «... تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْئِدَةِ».

(خطبه ۱۹۲)



«عاشقان بیت‌الله... به‌سوی کعبه با عشق قلب و میوه دل‌ها روی می‌آورند.»

این فرمایش حضرت برگرفته از آن دعای ابراهیم خلیل است که در سوره ابراهیم آیه ۳۷ آمده است که از خداوند چنین می‌خواهد: «رَبَّنَا... فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»؛ «خدایا! دل‌های مردم را به‌سوی آن متوجه گردان که هوای آن را در سر پیورند.»

* «... يَتَّبِعُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ».

دعوت شونندگان حج بیت‌الله الحرام... به‌سوی وعدگاه آمرزش الهی می‌شتابند و

از هم پیشی می‌گیرند.»

در این بیان، حضرت علاوه بر این‌که بیت‌الله را محل غفران الهی می‌خواند، حجاج خانه‌خدا را محتاج و طالب و حتی حریص آمرزش الهی شمرده، آنان را برای وصول به این وعدگاه شتابان و مشتاق می‌داند.

* «... يُحْرِزُونَ الْأَرْزَاقَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ».

دعوت شونندگان به حج بیت‌الحرام... سودهای فراوان در این تجارتگاه عبادت

الهی به‌دست می‌آورند.»

حجاج خانه‌خدا به بازار می‌روند و معامله‌ای را انجام می‌دهند؛ معامله‌ای که در آن خسران و ضرر نیست، تجارتی که سودهای فراوان دارد. بازار آن، تجارتگاه عبادت خداوند؛ یعنی مکه و حج است. بندگی و عبادت می‌دهند و غفران و جنت خداوند می‌خرند.

* «يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا».

«عاشقان بیت‌الله الحرام... شانه‌های خود را با خضوع و فروتنی می‌جنبانند (در

سعی و طواف).»

حالت ذلت و فروتنی حجاج در برابر حق، که اوج نمادین آن در هروله پدیدار می‌گردد، نشان از تواضع آن‌ها در برابر خالق بی‌همتا در کل اعمال حج و سپس در تمامی افعال زندگی دارد.



میقات

* «يُهَلَّلُونَ لَيْلَهُ حَوَٰلَهُ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت‌الله الحرام) گرداگرد کعبه، تهلیل (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) را خالص برای خداوند بر زبان جاری می‌سازند.»

حجاج خانه خدا در این بیان حضرت: «بر گرد خانه خداوند طواف می‌کنند». در طواف و حجشان نیتی لله و خالص دارند. آنان ذکر توحید و یگانگی خدا را بر زبان و در دل جاری می‌سازند.

* «وَوَقَّفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ» (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان به خانه خدا کسانی هستند که) پای بر جای پا و جایگاه پیامبران الهی می‌نهند.»

پا جای پای انبیا گذاردن و در مقام آنها ایستادن، به معنای پیروی از انبیای الهی است که هر کدامشان در این وادی عشق، حج خانه کرده‌اند. و حاجی در این مکان، حرکت در مسیر آنها و پیروی آنان را در نظر دارد.

* «وَيَرْمُلُونَ عَلَيَّ أَقْدَامِهِمْ شُغْنًا غَيْرَ أَنَّهُ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت‌الله الحرام) در اطراف خانه خدا طواف می‌کنند، در حالی که موهایشان آشفته و بدن‌هایشان پر گرد و غبار است.»

شیفتگان خانه مقصود، به محض دیدار کعبه، سر از پا نشناخته، به عشق معبود، با همان سر و وضع به هم ریخته هر مسافر خسته، با جانی تازه و فراموش از رنج سفر، به سوی بیت‌الله الحرام می‌شتابند.

* «تَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ» (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بیت‌الحرام مانند فرشتگانی می‌شوند که بر گرد عرش الهی طواف می‌کنند.»

حجاج خانه خدا، در طوافشان، بسان فرشتگانی می‌گردند که با تمام وجود و از روی اخلاص تمام و صفای دل، بر گرد خانه حق می‌گردند.

عاشقان اول طواف کعبه جان کرده‌اند پس طواف کعبه تن فرض فرمان دیده‌اند
پیش کعبه گشته چون باران زمین بوس از نیاز و آسمان را در طوافش هفت دوران دیده‌اند
در طواف کعبه جان ساکنان عرش را چون حلی دلبران در رقص و افغان دیده‌اند
(خاقانی)

* «وَسَوْهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت‌الله... بر اثر اصلاح نکردن موهای سر، قیافه زیبای خود را به
زشتی گراییده‌اند.»

امیر مؤمنان در این خطبه که به «خطبه قاصعه» نیز مشهور است، مواردی از توصیف
حجاج را بی‌توجهی به وضعیت آراستگی ظاهری در اثر از خود بی‌خود شدن آنان هنگام
دیدار خانه خدا، برمی‌شمارد.

حجاجی که در اثر راه طولانی و سفری سنگین و سخت با وضعیت ظاهری پریشان
به محض دیدار کعبه، با همان شکل آشفته، به سوی خانه دوست هجوم می‌آورند.

* «يَرِدُونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ» (خطبه ۱)

«زائران بیت‌الله الحرام) چون تشنگان به سوی آن (کعبه) روی می‌آورند.»

حجاج بیت‌الله الحرام، چنان با شور و ولع به کعبه روی می‌آورند که گویی
تشنگانی هستند که برای نوشیدن آبی که به آن محتاج‌اند، به آبشخور و چشمه حیات
می‌رسند.

* «حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ» (خطبه ۱)

«خداوند سبحان از میان انسان‌ها، شنوندگانی را برگزید که دعوت او را برای

حج اجابت کنند و تصدیق سخن او بنمایند.»

حضرت در این بیان، پنج توصیف از حجاج بیان کرده، می‌فرمایند حاجیان:

۱- انتخاب شده خداوندند.

۲- در برابر فرمان خداوند گوش شنوا دارند.

۳- برای حج بیت‌الحرام دعوت شده‌اند.



میزان

- ۴- دعوت حق را بیک می گویند.
 ۵- فرمان الهی ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ...﴾ را تصدیق و اطاعت می کنند.

○ وصف سرزمین مکه

«أَوْعَرَ بِقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا»؛ «سنگلاخترین مکانها است»
 «أَقْلُّ تَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا»؛ «بی گیاهترین زمینها است»
 «أَضْيَقِ بَطُونِ الْأُودِيَةِ قُطْرًا»؛ «تنگترین درهها است»
 «بَيْنَ جِبَالِ خَشْنَةٍ»؛ «در میان کوههایی خشن واقع است»
 «وَرِمَالٍ دَمِيَّةٍ»؛ «و سنگریزههای فراوان»
 «وَعُيُونٍ وَشِلَّةٍ»؛ «و چشمههای کم آب»
 «وَقُرَى مُنْقَطِعَةٍ»؛ «و آبادیهای از هم دور»
 «لَا يَزُكُو بِهَا حُفٌّ»؛ «که نه شتر در آنجا آرامش دارد»
 «وَلَا حَافِرٌ وَلَا ظِلْفٌ»؛ «و نه گاو و گوسفند در آن فربه می شوند»

ابراهیم علیه السلام نیز گفت: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ بِوَادٍ غَيْرِ ذِي ذَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ﴾؛
 «پروردگارا! در میان دره‌های اسکان گزیدم که غیر قابل کشت است، در کنار خانه‌محترم تو»
 حضرت در این بیان کعبه را ساخته شده از سنگ‌هایی می‌شمارند که خود آن
 سنگ‌ها به تنهایی بی‌فایده و بی‌اثرند و مانند همه سنگ‌های دیگر عالم، چشم و گوش و
 نفع و ضرر ندارند، اما وقتی که از آنها بنایی ساخته می‌شود، ارزش بنا را می‌یابند و وقتی
 آن بنا به نام بیت‌الله سر پا می‌شود، و به خود حضرت باری‌تعالی منتسب می‌گردد، ارزش
 و تقدسی بی‌نظیر یافته و قابل احترام می‌شود، که قبله اهل عالم می‌گردد و طواف و حج
 آن بر تمامی انسان‌ها فرض می‌شود.

○ وقت کوچ از عرفات

«وَصَلُّوا بِهِمْ الْمَغْرِبَ... جَيْنَ... يَدْفَعُ الْحَاجُّ إِلَى مِئْتَى» (نامه ۵۲)
 «و نماز مغرب را با مردم زمانی بخوان... که حاجیان از عرفات به منا کوچ
 می‌کنند»



مشرکین پیش از غروب هور از عرفات روانه می شدند، پیامبر ﷺ با این جریان مخالفت کرد و بعد از غروب به راه افتاد.

امام صادق علیه السلام هنگام کوچ از عرفات فرمود: از این ازدحام می ترسم که مبادا در آزار و زحمت کسی سهیم باشم و دعا کرد که: «خدایا! به تو پناه می برم از این که ستم کنم یا زیر بار ستم روم یا قطع رحم کنم یا همسایه ای را بیزارم.» (کافی، ج ۴، ص ۴۶۷)

○ وجوب ادای حق کعبه

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ... فَرَضَ حَقَّهُ.»
(خطبه ۱)
خداوند ادای حق خانه محترمش (کعبه) را واجب گردانید.»

ادای حق کعبه این است که خالی نماند، مسلمانان به زیارتش بروند و حج آن را هرچه باشکوه تر برگزار کنند و در انجام حج به اسرار و رموز و آثار آن توجه نمایند و به وسیله آن هرچه بیشتر به خداوند سبحان نزدیک شوند و حق اولیای الهی را بشناسند.

○ وجوب حج

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ.»
(خطبه ۱)
و خداوند حج خانه محترم خود را بر شما واجب گردانید.»

حج بیت الله الحرام که همان حجة الاسلام است، بر هر فرد مسلمان که استطاعت لازم را داشته باشد، واجب است.

○ ورود به خانه خدا

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ... يَرُدُّونَهُ وُرُودَ الْأَنْعَامِ.»
(خطبه ۱)
«خانه محترم خداوند، که مردم چون تشنگان به آن وارد می شوند.»

ابان گوید: با امام صادق علیه السلام میان حرمین سوار کجاوه بودیم، آن حضرت نزدیک حرم پیاده شده، غسل نمود و نعلین به دست گرفت و پابرهنه به حرم وارد شد، من نیز چنین کردم. فرمود: «هرکه بر آستان خداوند فروتن شد و چنین رفتار نمود که در من





مشاهده کردی، خدا از او صد هزار سیئه بزدايد و برايش صد هزار حسنه بنويسد و صد هزار درجه بالا برد و صد هزار حاجت روا کند. (کافی، ج ۴، ص ۳۹۸)

امام صادق علیه السلام همچنين فرمودند: «هرکه با وقار داخل مکه شد، گنااهش آمرزيده است، پرسيدند چگونه؟ فرمود: بی تکبر و جبروت داخل شود». (کافی، ج ۴، ص ۴۰۲)

○ وسیله تقرب به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ».

(خطبه ۱۱۰)

«همانا بهترین چیزی که انسان‌ها می‌توانند به وسیله آن به خداوند سبحان نزدیک شوند و تقرب جویند (ده چیز، از جمله: حج و عمره بیت‌الله الحرام است.»

○ وظایف امیرالحاج، آموزش حج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَأَقْتِ الْمُسْتَفْتِيَّ وَ عِلْمِ الْجَاهِلِ».

(نامه ۶۷)

«پس حج را برای مردم بپا دار... و فتاوی صادره را به پرسش‌کنندگان ابلاغ کند و ناآگاهان را تعلیم ده.»

در این فرمان، حضرت پس از برپایی حج، لزوم تعلیم فتاوی دینی و آموزش حج را به عنوان وظایف دیگر حکومت اسلامی و سرپرست حجاج به فرماندار منصوب خود در مکه ابلاغ می‌کنند.

امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «یکی دیگر از وظایف مهم، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج، آدم بسیار می‌بیند که حج می‌روند، زحمت می‌کشند، لیکن مسأله حج را نمی‌دانند.»

○ وظایف امیرالحاج، رفع نیاز حجاج

«وَلَا تَحْجُبَنَّ دَا حَاجَةَ عَنِ لِقَائِكَ».

(نامه ۶۷)

«و (در حج) هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان.»

رفع نیاز محتاجان و از همه مهم تر رفع نیاز حاجیان، از وظایف دیگر حکومت اسلامی است که در حج توسط سرپرست حجاج، اعمال می‌گردد.

○ وظایف امیرالحاج، تبلیغات حج

(نامه ۶۷)

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ».

«حج را برای مردم بیای دار و روزهای خدا را یادشان بیاور.»

یادآوری روزهای الهی و ایام‌الله، تبلیغ و اشاعه معروف‌ها و اعمال حسنه و تبلیغ اسلام ناب، از وظایف سرپرست حجاج در این فریضه الهی است. در ضمن تبلیغات حج می‌تواند در تشویق و تهییج مردم به اقامه قسط و عدل و شکوه بیشتر مراسم حج کمک نماید و عشق و علاقه مسلمانان را به روزهای خوب پیروزی و روزهای بزرگ تاریخ اسلام افزایش و به روزهای مهم مرگ و معاد متوجه گرداند.

○ وظایف امیرالحاج، بررسی نیاز حجاج

(نامه ۶۷)

«وَ اجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ... وَ لَا حَاجِبُ إِلَّا وَجْهُكَ».

«در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با آنان (حجاج) بنشین. و جز چهره‌ات، دربان و مانعی میان تو و ایشان وجود نداشته باشد.»

سرپرست حجاج باید مستقیم و بدون واسطه با حجاج روبه‌رو شود، مسائل و مشکلاتشان را از نزدیک بررسی نماید. چه بسا نظریات و مشکلات حجاج به خوبی به وی منتقل نشده و چه بسا عوامل خدماتی حج مسؤولیتشان را به خوبی انجام نداده باشند.

○ وظایف امیرالحاج، گفتگو با دانشمندان

(نامه ۶۷)

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... وَ ذَاكِرِ الْعَالِمِ».

«در حج با دانشمندان به گفتگو بپرداز (و تذکرات لازم را به یادشان آور.»

هماهنگی علما در آموزش و هدایت حج‌گزاران، از ضروریات بی‌تردید اجتماع عظیم اسلامی است که هم مناسک حج را خوب بدانند و هم با اخلاقیات سفر و اسرار حج و معارف این دریای بی‌کران عرفان الهی آشنا شوند.



○ هروله

«... يَهْرُؤُوا مَنَاكِيبَهُمْ ذُلًّا» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت‌الله الحرام) شانه‌های خود را با خضوع و فروتنی (در سعی و طواف) می‌جنبانند (و هروله می‌کنند).»

هروله شکل خاصی از دویدن است که حجاج با شباهت دویدن اشتران، کبر و غرور راه رفتن را دور می‌ریزند و در برابر حق تعالی، خاضعانه مراتب ذلت و حقارت خویش را به‌نمایش می‌گذارند و بسیار زیبا ارزش فروتنی و افتادگی در برابر ممنوع را می‌آموزند و تمرین می‌کنند.

* «... يَزْمُلُونَ عَلَيَّ أَقْدَامِهِمْ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت‌الله الحرام) بر پاهایشان هروله می‌کنند.»

هروله از مستحبات سعی است که مردان حج‌گزار در فاصله‌ای مشخص از سعی را به‌حالت هروله می‌دوند.

○ همبستگی مسلمانان در حج

فَرَضَ اللَّهُ... الْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ» (حکمت ۲۵۲)

«خداوند حج را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان، واجب گردانید.»

همبستگی و وحدت مسلمانان ضرورتی است انکارناپذیر و کعبه به‌عنوان قبله واحد مسلمانان و حج به‌عنوان بزرگ‌ترین همایش جهانی توحیدی، تأثیری شگرف در این امور مهم دارند:

همبستگی کشورهای مسلمان؛

همبستگی افکار و اندیشه‌های اسلامی؛

همبستگی ملت‌های مسلمان؛

و همبستگی افراد در این دین الهی.

○ یک‌رنگی در حج

«قَدْ نَبَدُوا السَّرَابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» (خطبه ۹۲)



«عاشقان بیت‌الله الحرام) لباس‌های خود را که نشانهٔ شخصیت هر فرد است
درآوردند و پشت سر اندازند.»

در اجتماع پرشکوه حج، خیل عظیم حجاج با لباس بی‌تکلف و سادهٔ احرام، علاوه
بر حذف شخصیت‌های کاذب، یک شکل و یک‌رنگ و متحد و همدل، ندای توحید
سر می‌دهند.

